سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۴۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

فاطمه درخشان، جامعه شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دوقطبی سازی در جامعه ایرانی بخشی از برنامه دشمن است

سیدعلیرضا طاهری
خبرنگار

در شرایط کنونی، با برقراری آتش‌بس میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم‌صهیونیستی، ضرورت حفظ اتحاد و انسجام ملی بیش از پیش احساس می‌شود. اتحادی که همه اقوام، سلایق و گروه‌های سیاسی در آن دخیل بوده‌اند. امروز اما، این اتحاد یک پاشنه آشیل به بزرگی خود در پیش رو دارد. دوقطبی‌ها، دوقطبی‌هایی که می‌توانند زمینه‌ساز تفرقه در جامعه شود. در زمانه‌ای که جنگ بر همه بنیادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... سایه افکنده، تقسیم مردم به «دوست» و «دشمن» به «خودی» و «ناخودی» یک خطر جدی است. قطب‌های ساختگی و بی‌اصالتی که هر کدام بر پایه اختلافات قومی، مذهبی شکل می‌گیرند، نه‌تنها به تفرقه در جامعه کمک می‌کنند بلکه می‌توانند در این لحظه خطیر باعث تهدید و تخریب تمام آورده‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و دینی ملت ایران بشوند. به‌ویژه در کشور ما، کشوری که به لحاظ تاریخی در عین کثرت اقوام و احزاب تاریخچه‌ای از همزیستی و همدلی فرهنگ‌های مختلف در این سرزمین دارد.

متأسفانه، این ضرورت حتی پس از شکل‌گیری این جنگ تاریخی و مهم از سمت افرادی درک نشد. «فرهیختگان» در همین خصوص با دکتر فاطمه درخشان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی به سراغ این مسئله رفته که دوقطبی‌های این روزها تا چه اندازه اصیل است و تا چه اندازه دوقطبی‌های کاذب می‌توانند به‌مثابه دشمنی متخاصم برای اتحاد ملت ایران باشند. همچنین در این گفت‌وگو به علت‌ها و آورده‌های اجتماعی این اتحاد پرداخته و از مؤلفه‌های متحدکننده جامعه ایران در دوران آتش‌بس سخن می‌گوییم.

دوقطبی‌سازی بخشی از برنامه دشمن است

فاطمه درخشان در خصوص وضعیت امروز جامعه ایرانی و انسجام جامعه ایرانی معتقد است: «این انسجام یک‌باره به وجود نیامده، بلکه ریشه‌دار است و آورده‌های اجتماعی مهمی برای هر ملت و حاکمیتی دارد. انسجام یا بهتر است بگوییم همبستگی، توافق بر ارزش‌های مشترک است. این در جامعه‌ای متکثر که تنوع فرهنگی، مذهبی و قومی دارد، بسیار ارزشمند است. وقتی همبستگی اجتماعی وجود داشته باشد، اختلافات کم‌رنگ می‌شود. این همبستگی نه‌تنها در میان مردم، بلکه در میان نخبگان سیاسی و علمی نیز دیده شد. اکثریت آن‌ها بر سر وطن و خاک یک‌صدا شدند. این خط قرمز همه بود و تفاوت‌ها کنار گذاشته شد. این آورده جنگ بود، اما حفظ آن بسیار مهم است، زیرا ممکن است پس از جنگ این انسجام از بین برود.»

او با اشاره به دو قطبی‌های کاذبی که بلافاصله بعد از آتش‌بس رخ داد بیان داشت: «وقتی اختلافات کم‌رنگ می‌شود، می‌توان مسائل داخلی مانند مشکلات داخلی را راحت‌تر حل کرد. در کشوری که در جنگ ترکیبی (اقتصادی، فرهنگی و نظامی) قرار دارد، انسجام اجتماعی و مشارکت مردم می‌تواند بخش‌های مختلف را مقاوم و مشکلات اقتصادی را حل کند. جامعه متکثر ایران گروه‌هایی با هویت‌یابی متفاوت دارد. نخبگان دانشگاهی، رسانه‌ای یا افرادی که به رسانه دسترسی دارند، گاهی دچار انحراف شناختی می‌شوند. بعضی می‌گویند ملت مهم است و هویت ملی عامل وحدت بوده است. این درست است، اما عده‌ای دیگر می‌گویند ایران حرم است، مکانی که دین اسلام، فرهنگ اسلامی و شیعیان در آن حضور دارند. این هم درست است. برخی ایران را پس از انقلاب اسلامی مکانی برای مبارزه با ظلم و استکبار جهانی می‌دانند. این تحلیل هم درست است. اما اشتباه آنجاست که این مفاهیم در مقابل هم قرار گیرند. واقعیت جامعه ایران هر دو را در بر می‌گیرد.»

فاطمه درخشان با اشاره به دوقطبی‌های اخیر پس از آتش‌بس افزود: «این دوقطبی‌سازی مخرب است و قطعاً بخشی از برنامه دشمن است. دشمن در سی سال گذشته روی جامعه ایران کار کرده و پروژه‌هایی برای ایجاد شکاف تعریف کرده است. برخی ناآگاهانه در زمین دشمن بازی می‌کنند و این دوقطبی‌سازی را تشدید می‌کنند. برای حفظ انسجام، باید همه گروه‌ها دیده شوند. دولت باید با مسامحه با موضوعاتی که اولویت ندارند رفتار کند تا مردم کمتر ناراحت شوند. ما هنوز از فشار روانی جنگ خارج نشده‌ایم. دولت، نخبگان و رسانه‌ها باید مراقب باشند که مقدمات شکاف، مانند آتش زیر خاکستر، دوباره شعله‌ور نشود.»

جامعه ایران، جامعه‌ای موزاییکی و متکثر است

او با اشاره به آنکه همچنان ویژگی‌های مشترک در جامعه ایرانی انسجام بخش است بیان داشت: «در جنگ تحمیلی ۱۲روزه، مردم همدل شدند و انسجام اجتماعی بالایی نشان دادند. متخصصان علوم شناختی و روان‌شناسان می‌گویند واکنش‌های افراد به موقعیت‌ها وابسته است. این موضوع فقط خاص جامعه ایران نیست؛ در همه جای دنیا همین‌طور است. وقتی افراد در موقعیتی قرار می‌گیرند که نیاز به همدلی و کمک به یکدیگر دارند، این ویژگی بروز پیدا می‌کند. اما این ویژگی در جامعه ایرانی پررنگ‌تر است. ایرانی‌ها ممکن است از گرانی، عدم ثبات اقتصادی، رفتارهای متناقض دولت یا تصمیمات فرهنگی ناراضی باشند، اما ویژگی‌های مشترکی دارند که می‌تواند عامل انسجام باشد.»

فاطمه درخشان با تأکید بر تکثر جامعه ایرانی و اتحاد ایرنیان در لحظه جنگ معتقد است: «جامعه ایران، جامعه‌ای موزاییکی و متکثر است، اما وقتی مورد حمله قرار گرفت، این حمله به مثابه حمله به حیات جمعی و وطن بود. در این شرایط، همه گروه‌ها، اعم از کسانی که سبک زندگی مدرن و سکولار دارند یا سنتی و مذهبی، وجه مشترکی پیدا کردند و آن هم دفاع از وطن و حیات جمعی بود. وطن مفهومی انتزاعی است، اما مردم خاک و ریشه‌های فرهنگی خود را در معرض تهدید دیدند و برای حفظ بقای خود، خانواده، هم‌محلی‌ها و همشهری‌هایشان وارد میدان شدند. ما تصاویر زیبایی از این همدلی دیدیم، زیرا در هاله دفاع مقدس قرار گرفتیم. هسته سخت اجتماعی که در موقعیت‌های داخلی ممکن است تحت تأثیر مشکلات داخلی یا تحریکات خارجی قرار گیرد، در این موقعیت کنار گذاشته شد. ایرانیان با ویژگی‌های اصیل، ریشه‌دار و تاریخی-اسلامی خود واکنش نشان دادند.»

هویت دینی و ملی ایرانیان در هم تنیده است

او با اشاره به این اتحاد در عین تکثر ملی بیان داشت: «ایرانیان همیشه همین‌طور بوده‌اند. در هشت سال دفاع مقدس نیز همین تجربه را داشتیم. این اتحاد و همدلی اولین بار نیست؛ نسل‌های قبلی این را به‌وضوح دیده و لمس کرده‌اند. هویت تاریخی، تجربه‌های مشترک، خاطرات جمعی، فرهنگ، رهبران دینی مشترک و مذهب و اخلاق اسلامی که موضوع بسیار مهمی است، این ویژگی ایرانیان است. برخی سعی دارند هویت دینی و ملی را از هم جدا کنند، اما این دو در هم تنیده‌اند.»

او در ادامه با اشاره به تصور نادرستی که افرادی از جامعه ایران داشتند، گفت: «موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم، برداشت و تصور نادرستی است که از جامعه ایرانی داریم. افراد در موقعیت‌های مختلف ممکن است واکنش‌های متفاوتی نشان دهند. وقتی مردم تحت فشار اقتصادی یا قوانینی قرار می‌گیرند که مورد پسندشان نیست، نارضایتی ایجاد می‌شود. طبیعی است که مردم ناراحت شوند، اعتراض کنند و حتی در مواردی مانند سال ۹۶ که اعتراضات بیشتر در حاشیه شهر تهران و به دلایل اقتصادی بود، این نارضایتی به شکل اعتراض بروز پیدا کند. اما آیا می‌توان گفت جامعه ایران به دلیل این اعتراضات دچار شکاف اجتماعی است یا سرمایه اجتماعی آن پایین آمده است؟! خیر. در موقعیت‌های دیگر، مثلاً زلزله سرپل‌ذهاب یا ریزش ساختمان متروپل در آبادان، مردم چه واکنشی نشان دادند؟! آن‌ها همدل شدند و به یکدیگر کمک کردند. این نشان می‌دهد که نمی‌توان به‌صورت کلی گفت در جامعه ایران شکاف اجتماعی وجود دارد.»

ایشان در ادامه بیان داشت: «ما باید خیلی مراقب باشیم. این تکثر و گروه‌های مختلف را نباید به بهای تحقیر، کم‌رنگ کردن یا نادیده گرفتن گروهی دیگر پررنگ کنیم، طوری که به گروهی بربخورد یا احساس کم‌ارزشی و بی‌قدرتی کنند. ما می‌توانیم همدلی ایجاد کنیم و وجه مشترکمان ایران است. چاره‌ای نداریم جز اینکه روی ارزش ایران تأکید کنیم؛ ایرانی که تمدن چندهزارساله دارد و به‌راحتی از بین نمی‌رود. به نظرم این کار درست است.»

او همچنین افزود: «به‌عنوان فردی دانشگاهی که سال‌ها در حوزه جامعه‌شناسی فعالیت کرده است، دقیق‌تر درباره مفهوم شکاف اجتماعی صحبت می‌کنم. از سال ۸۸ تا امروز، برخی پژوهشگران، اندیشمندان و جامعه‌شناسان ادعا کرده‌اند شکاف اجتماعی در ایران افزایش یافته است. در سال ۹۸، ما پژوهشی درباره شکاف اجتماعی در شهر تهران انجام دادیم و ابعاد مختلف آن را بررسی کردیم. شکاف اجتماعی، در واقع مفهومی است که باید مراحل مختلفی را طی کند تا بتوان بگوییم در جامعه‌ای مانند ایران به وجود آمده است. صرف اینکه در بعضی از سال‌ها گروهی معترض به خیابان آمدند یا به اشکال مختلف اعتراض کردند، به این معنا نیست که شکاف اجتماعی به اوج خود رسیده و در جامعه ایران وجود دارد. باید شکاف را به‌درستی تعریف کنیم، زیرا ممکن است تصور ما درباره جامعه ایران نادرست باشد و به همین دلیل اکنون از این اتحاد و همبستگی شگفت‌زده شده‌ایم.»

فاطمه درخشان با بیان آنکه شکاف در لحظه‌ای شکل می‌گیرد که سه مؤلفه در آن وجود داشته باشد، گفت: «شکاف اجتماعی سه مرحله دارد. مرحله اول زمانی است که گروه‌های مختلف ارزش‌های متفاوتی دارند. جامعه ایرانی، همان‌طور که در جنگ تحمیلی دوم نیز دیده شد، اساساً جامعه‌ای موزاییکی و چندفرهنگی است که از تنوع و تکثر فرهنگی برخوردار است. این تنوع به دلیل وجود اقوام مختلف، زبان‌های متفاوت، ادیان گوناگون و حتی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در سبک زندگی اقشار و طبقات مختلف به وجود آمده است. این طبیعی است که در یک جامعه، گروه‌های مختلف ارزش‌های متفاوتی داشته باشند. اما مرحله اول شکاف زمانی رخ می‌دهد که این ارزش‌ها متعارض شوند.»

او در ادامه بیان کرد: «مرحله دوم زمانی است که گروه‌های مختلف تحت این ارزش‌های متفاوت، هویت‌یابی کنند؛ مثلاً بگویند من فارسم، من ترکم، من طبقه متوسطم، من سکولارم یا من مذهبی‌ام. این هویت‌یابی در مقابل هویت دیگری شکل می‌گیرد. اما حتی در این مرحله نیز هنوز شکاف اجتماعی به وجود نیامده است. شکاف در مرحله سوم رخ می‌دهد، زمانی که گروه‌های دارای ارزش‌های متعارض و هویت‌یابی‌شده، در مقابل یکدیگر سرکشی کنند و آماده درگیری یا جنگ با هم باشند. در این مرحله است که می‌توان گفت شکاف اجتماعی در جامعه‌ای به وجود آمده است.»

باید هویت ملی و دینی خود را پررنگ کنیم

او با بیان آنکه احتمال شکاف اجتماعی وجود دارد، اشاره داشت: «ما در سال ۹۸ پژوهشی در شهر تهران انجام دادیم و نتایج آن، با تعریفی که ارائه کردم، نشان داد که هنوز به شکاف اجتماعی نرسیده‌ایم. البته، ما ابعاد مختلف شکاف، از جمله شکاف فرهنگی، قومیتی، مذهبی، دینی و حتی نسلی را سنجیدیم. برخی معتقدند شکاف نسلی وجود ندارد، اما ما آن را هم بررسی کردیم. یکی از ابعاد شکاف که بسیار پررنگ و نزدیک به مرحله نهایی بود، شکاف فرهنگی بین گروه‌های سکولار و مذهبی بود. ارزش‌های متعارض و هویت‌یابی بین این دو گروه بسیار قوی شده بود. ما در پژوهشمان این موضوع را بررسی کردیم، مقاله‌ای منتشر کردیم و در جاهای مختلف مطرح کردیم که باید مراقب باشیم، زیرا این احتمال وجود دارد که شکاف فرهنگی به مرحله نهایی برسد. بنابراین، ادعاهایی مبنی بر اینکه جامعه ایران دچار شکاف اجتماعی بوده یا سرمایه اجتماعی آن پایین آمده، از نظر من چندان درست نیست.»

فاطمه درخشان در خصوص استفاده از ظرفیت محرم در لحظه کنونی عنوان کرد: «الان در دهه اول محرم هستیم و این موضوع کمی پررنگ شده است، اما عزاداری فقط گریه کردن نیست. تکلیف ما در لحظه کنونی صرفاً عزاداری برای امام حسین(ع) نیست. باید به وجه شجاعت ایرانیان در ارتباط با امام حسین علیه‌السلام توجه کنیم؛ باید روی این نام و ابعاد شجاعت امام حسین(ع) و یارانش تأکید کنیم. اینکه ما با امکانات موجود، این موشک‌ها را زدیم. اسرائیلی که هیچ‌کس جرئت حمله به آن را نداشت، ویرانی‌هایی در آن به وجود آوردیم. در جنگ، امام حسین(ع) با ۷۲ تن از یارانشان، بخش‌های اسطوره‌ای، قهرمانانه، شجاعت و جنگندگی را نشان دادند. باید درباره این ویژگی‌ها صحبت کنیم و مردم را صرفاً به قالب عزاداری نبریم. باید از افتخاراتمان بگوییم. این افتخارات، هویت ملی و دینی ما را پررنگ می‌کند و جزئی از هویت دینی و ملی ما است. همان‌طور که گفتم، شکل جنگ‌ها با پیشرفت تکنولوژی تغییر کرده است. کشورها برای کاهش هزینه حضور در خاک کشوری دیگر، نیروی نظامی نمی‌فرستند و از ابزارهای دیگر استفاده می‌کنند؛ اما نکته مهم این است که جنگ‌ها اکنون هیبریدی و ترکیبی‌اند. در همان ۱۲ روز، درست است که اتکای ما بعد از خدا به نیروهای نظامی و موشک‌های ساخت ایران بود که واقعاً مایه قوت قلب همه ایرانی‌ها شد، اما در همان زمان هم جنگ ترکیبی بود. آن‌ها از طریق رسانه و در بعد شناختی و فرهنگی با ما می‌جنگیدند. این خیلی مهم است. آن‌ها از ظرفیت نیروی انسانی و ظرفیت‌های داخل جامعه استفاده می‌کنند. باید خیلی مراقب باشیم. این به بحث انسجام خیلی مربوط است. آن‌ها در قالب‌های مختلف، مثل نفوذ یا استفاده از نیروی انسانی، سعی می‌کنند شکاف اجتماعی را زنده کنند و آن را افزایش دهند. باید خیلی مراقب این موضوع باشیم. ما در جنگ ترکیبی هستیم و باید همه نیروها و ظرفیت‌هایمان را بسیج کنیم. از مردم هم باید کمک بگیریم تا در این جنگ ترکیبی پیروز شویم.»

نسخه وطن‌پرست BBC فارسی!

یادداشت

فاطمه ترکاشوند
خبرنگار

«تمساح، آدم را گاز بگیرد اما جوّ نه!» جمله مشهور و البته کارآمدی است برای وقت‌هایی که قرار است به تلخی، شاهد اثرگذاری یک جریان جوزده بر سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های دولت یا افکار عمومی باشی و کاری هم از دست برای تذکر یا توقف آن جریان برنیاید. یکی از این جوزدگی‌های تلخ، آن هم در اوج نیاز کشور به استقلال در روایت‌سازی دست‌کم در داخل کشور، موج تقدیر و تشکر از چندچهره در شبکه‌های فارسی‌زبان خارج کشور است؛ کسانی که انگار ما همیشه مقصر بودیم که رفتند و الان هم منت می‌گذارند که به‌اندازه ایران‌اینترنشنال، در القای سوگیری‌های ضدایرانی خود، صریح و وقیح نیستند. نفیسه کوهنورد، بهمن کلباسی و سیاوش اردلان از مجریان و خبرنگاران BBC فارسی، چهره‌های اصلی پروموت‌شده در این موج بودند که برخی به علت مواضعشان در شبکه‌های اجتماعی و برخی دیگر به علت گزارش‌های ارسالی برای رسانه متبوعشان، موردتوجه قرار گرفتند. کوهنورد به‌عنوان کلیدی‌ترین چهره در میان آن‌ها، خبرنگار BBC فارسی در منطقه است که سال‌هاست عمدتاً با حضور در کشور عراق و ارتباط با کارشناسان منطقه، تلاش می‌کند گزارش‌هایی نسبتاً صادقانه‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از خاورمیانه مخابره کند. تلاشی که پیش از هر چیز ریشه در سیاست‌های این ارگان وابسته به سلطنت انگلیس و نیاز مبرم آن به شناخت واقع‌گرایانه از وضعیت منطقه برای تدوین راهبردهای درست در برخورد با نیروهای کنشگر فعال آن دارد. برخلاف نگاه تعجب‌زده برخی مخاطبان ناآشنا با این رسانه‌ها، انگلیس دست‌کم ۴۰۰ سال است که از این راهبرد پیروی می‌کند. گاه با فرستادن جهانگردان، گاه با مستشاران و حالا با خبرنگاران، این کشور همواره علاقه داشته که اطلاعات و تحلیل‌ها را با جزئیات و به‌دقت در میدان بررسی کند و برخلاف متحدان اروپایی و آمریکایی‌اش، همیشه رصدکردن کشورهای مدنظرش خصوصاً در خاورمیانه را جذاب می‌دیده است. گذشته از این، مسئله شاخه‌های فارسی‌زبان رسانه‌های وابسته به کشورهای متخاصم، هدفشان جذب و جلب مخاطب ایرانی است. اگر از بالا و بیرون به قصه نگاه کنیم درخواهیم یافت که تأسیس این رسانه‌ها، به‌عنوان ابزاری کارآمد در دیپلماسی عمومی نگریسته می‌شود. در دیپلماسی عمومی، یک دولت برخلاف مدل‌های کلاسیک، مخاطب گفت‌وگوی خود را نه دولت‌های دیگر، بلکه ملت‌های تابعه آن‌ها می‌داند تا مستقیم یا غیرمستقیم بر افکار آن‌ها اثر بگذارد. ازاین‌رو بخش بزرگی از شگفت‌زدگی و جوزدگی داخلی به مقایسه ناشی از شناخت محدود و غلط با رسانه‌های داخلی باز می‌گردد. درحالی‌که انحرافی‌ترین و اشتباه‌ترین اقدام در تحلیل رویکردهای BBC فارسی و خبرنگاران آن، مقایسه آن‌ها با رسانه‌های داخلی و خبرنگارانشان است. ما در کشور اساساً تعریف فعال و کارآمدی از دیپلماسی عمومی آن هم در سطح رسانه‌هایمان نداریم و اهالی حرفه‌ای رسانه‌های رسمی خیلی خوب می‌دانند که غالب رسانه‌های وابسته به دولت نه در نسبت با افکار عمومی خارجی و نه حتی داخلی، با واقع‌گرایی بیگانه‌اند. BBC نه‌تنها می‌خواهد داده‌های دقیق میدانی و سوگیری‌های فکری تحلیلگران و سیاستمداران و کنشگران منطقه را داشته باشد، بلکه نیاز دارد همان‌ها را هم تا حدی کنترل‌شده و با روایت خودی، به مخاطبان ایرانی‌اش بازتاب دهد تا حلقه‌های اتصال خود را با گروه‌های مختلف مخاطب گم نکند و در وقت مقتضی بتواند روی هر گروه تأثیری ولو در حد تغییر یک محاسبه کوچک داشته باشد. بنابراین کوهنورد به‌عنوان یک خبرنگار در واقع در حال انجام هیچ حرکت شگفتی‌سازی برای ایرانی‌ها نیست الا پیگیری حرفه‌ای و مجدانه‌اش در کار خبرنگاری. تنها بخش جالب‌توجه گزارش‌های او را باید تلاش برای بازتاب دادن وضعیت منطقه و ایران، چنان که غالب افراد و دیدگاه‌های جریان اصلی در منطقه می‌گویند، دانست. نسبت شخصی او با ایران نه بر ما و نه بر جوزدگان این روزها آشکار است، اما نسبت حرفه‌ای او با رسانه‌اش اقتضا می‌کند که نزدیک به جریان غالب نگاه‌ها در منطقه بماند و واقعیت این است که جریان اصلی منطقه خصوصاً در سال‌های اخیر و در طول جنگ ۱۲روزه و پس از آن، آشکارا به سمت ایران تمایل داشته است. آیا انتظار داریم این رسانه کهنه‌کار، مانند تازه‌به‌دوران‌رسیده‌هایی چون اینترنشنال و منوتو، بر واقعیت‌هایی تا این اندازه آشکار چشم بپوشد؟ اگر چنین انتظاری داریم حتماً آن‌ها را نشناخته‌ایم. همیشه در بر یک پاشنه نمی‌چرخد و یک دیپلماسی واقع‌گرا، همواره خود را برای موقعیت‌هایی که می‌تواند با کنش فعال به سمت منافع کشورش چرخانده شود، آماده نگه می‌دارد. این نگاه، نه‌تنها نگاهی بدبینانه یا بیش‌فعالانه در تفسیر حرکت یک رسانه نیست، بلکه دقیقاً همان چیزی است که از یک رسانه مؤثر در جهان مدرن انتظار می‌رود و اتفاقاً همان افرادی که چنین تحلیل‌هایی را با برچسب بیش‌فعالی پس می‌زنند، همان‌هایی هستند که کمترین شناخت را از رسانه و محدودترین اطلاعات را از وضعیت این بنگاه‌های خبری در کشورهای مبدأ و مقصدشان دارند. جوزدگی در ستودنی دانستن کنش این چندچهره را هم در این روزها عمدتاً چند گروه مرتکب شده‌اند؛ افرادی که این رسانه‌ها و چهره‌هایشان را نمی‌شناسند و حالا به‌واسطه بریده‌های گزارش‌ها یا توییت‌ها و پست‌ها، آنان را دیده‌اند. افرادی که چهره‌های اصلاح‌طلب یا منتقد فعال در شبکه‌های اجتماعی هستند و به علت حضور مستقیم با هویت شخصی، منافعشان چنین اقتضا می‌کند که شبکه‌های خود را تا بیرون مرزها گسترش دهند. افرادی که عامدانه قصد دارند محبوبیت این چهره‌ها را در افکار عمومی ایران به واسطه تبلیغات میهن‌پرستانه برای آن‌ها بالا ببرند تا نفوذشان را گسترش دهند. باید تصریح کنیم مسئله این نیست که BBC را با اینترنشنال و منوتو و ایران‌وایر یکی ببینیم. مسئله اتفاقاً برعکس این است که هر یک را با اقتضائات، شرایط، تاریخ و راهبردهای خودشان بشناسیم تا در داوری جنس و شیوه تعامل هر یک با مخاطب، دچار اشتباه، جوزدگی و شگفت‌زدگی نشویم.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی ۲۴۹-۱۴۰۴

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰
نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱
شهرداری منطقه ده شیراز در نظر دارد پروژه روکش آسفالت شهرک‌های گویم، دوکوهک، گلستان، انجیره، قصر قمشه، حافظ، باهنر، محمدی، آرین و سطح منطقه ده ۱۴۰۴ را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۶۶۸۸۰۰۰۱۵۹ به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید با مراجعه به آدرس WWW.Setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. در صورت عدم عضویت قبلی، ثبت‌نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضای مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است. ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره‌تلفن: ۰۷۱۳۶۵۰۱۰۱۰ داخلی ۱۳۳ آماده پاسخ‌گویی می‌باشد.
مبلغ برآورد: ۱۰۳/۱۵۶/۹۹۱/۰۲۵ ریال
مدت قرارداد: ۸ ماه
شرایط شرکت‌کنندگان: ارائه رتبه‌بندی و صلاحیت دارای اعتبار از سازمان برنامه‌وبودجه کشور حداقل پایه ۵ در رشته راه الزامی می‌باشد.
محل انجام کار: سطح شهرداری منطقه ۱۰
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا فیش واریزی نقدی به حساب سپرده ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ کد مرجع ۱۰۱۱۲۰ بانک شهر به نام شهرداری شیراز
برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
در زمان انعقاد قرارداد ۵٪ مبلغ پیشنهادی به عنوان ضمانت حسن اجرای تعهدات به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا فیش واریزی اخذ می‌گردد.
آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ می‌باشد. شرکت‌کنندگان می‌بایست تا قبل از برگزاری کمیسیون معاملات سپرده شرکت در مناقصه را به صورت فیزیکی به آدرس شیراز، شهرک گلدشت حافظ، خیابان هاتف، ساختمان شهرداری منطقه ۱۰ تحویل نمایند.
تاریخ و محل بازگشایی پاکات: روز سه‌شنبه ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ در محل چهارراه خلد برین شهرداری منطقه یک طبقه سوم سالن جلسات کمیسیون معاملات شهرداری شیراز می‌باشد.
مدت اعتبار پیشنهادها سه ماه می‌باشد.
تعدیل: تعدیل آحاد بها براساس بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳ تاریخ ۸۲/۹/۱۵ سازمان برنامه‌وبودجه پرداخت خواهد شد.
هیچ‌گونه وجهی بابت پیش‌پرداخت داده نخواهد شد.
بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد در این صورت سپرده‌ها مسترد می‌گردد.
شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.
آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می‌باشد.
برنده مناقصه موظف به ثبت‌نام در سایت vendor.shiraz.ir و ارائه مدارک مثبته تا قبل از انعقاد قرارداد می‌باشند.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶
اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری شیراز
شماره شناسه ۱۹۵۵۶۱۱

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹